

Akhlāq-i zīstī

i.e., Bioethics Journal

2024; 14(39): e22

The Bioethics and Health
Law InstituteMedical Ethics and Law
Research CenterInternational Association
of Islamic Bioethics

Civil Liability Resulting from Biotechnological Damage from the Perspective of Bioethical Principles

Somayeh Rahmani¹

1. Department of Private Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: New methods in the treatment of incurable diseases such as cancer, thalassemia, Parkinson's disease, and growth hormone production indicate the extent of opportunities created for utilizing biotechnology. However, biotechnology has also faced challenges such as civil liability and compensation for damages. Accordingly, the present article aims to examine civil liability arising from biotechnology-related damages from the perspective of bioethical principles.

Methods: This article has been conducted using a descriptive-analytical method and based on library sources.

Ethical Considerations: In all stages of writing the present research, the originality of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

Results: Based on fundamental principles of bioethics, such as the principle of non-maleficence and the principle of beneficence, biotechnology must both avoid causing harm and provide benefits. In cases where harm arises from biotechnology, compensation for damages is necessary. However, in Iranian law, the liability system is based on fault, and a major issue in compensating the injured party within such a system lies in the difficulty of proving fault by the victim, which consequently leads to uncompensated damages. Therefore, it seems that the strict liability theory is more effective in this regard.

Conclusion: The Civil Liability Law does not meet the needs of today's society, and it is necessary for the legislator's approach to civil liability arising from damages caused by biotechnology to shift toward strict liability, based on bioethical principles.

Keywords: Civil liability; Damage; Biotechnology; The Principle of beneficence; The Principle of non-maleficence

Corresponding Author: Somayeh Rahmani; **Email:** prsrahmanim@gmail.com

Received: April 18, 2024; **Accepted:** August 11, 2024; **Published Online:** January 30, 2025


Please cite this article as:

Rahmani S. Civil Liability Resulting from Biotechnological Damage from the Perspective of Bioethical Principles. *Akhlāq-i zīstī, i.e., Bioethics Journal*. 2024; 14(39): e22.



بررسی مبانی مسئولیت مدنی ناشی از خسارت فناوری زیستی

از منظر اصول اخلاق زیستی

سمیه رحمانی 

۱. گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: روش‌های جدید در درمان بیماری‌های صعب‌العلاج مانند سرطان، تالاسمی، پارکینسون، تولید هورمون رشد بیانگر میزان فرصت‌های به وجود آمده برای بهره‌گیری از فناوری زیستی است اما فناوری زیستی با چالش‌هایی مانند مسئولیت مدنی و جبران خسارت نیز مواجه شده است. بر همین اساس، هدف مقاله حاضر، بررسی مسئولیت مدنی ناشی از خسارت فناوری زیستی از منظر اصول اخلاق زیستی است.

روش: این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به انجام رسیده است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است

یافته‌ها: براساس اصول مهم اخلاق زیستی مانند اصل عدم ضرررسانی و همچنین اصل سودمندی، فناوری زیستی لازم است هم موجب ضرر نشود و هم سودمند باشد. در صورت ورود ضرر ناشی از فناوری زیستی، لازم است جبران خسارت شود. اما در حقوق ایران مبنای نظام مسئولیت بر پایه تقصیر بوده و مشکل بزرگی که در زمینه جبران خسارت وارده به زیان‌دیده در چنین نظامی وجود دارد در سختی اثبات تقصیر، توسط زیان‌دیده است که در نتیجه آن نیز خسارت وی جبران نشده باقی می‌ماند. لذا به نظر می‌رسد نظریه مسئولیت محض در این خصوص کارآمد است.

نتیجه‌گیری: قانون مسئولیت مدنی، پاسخگوی نیازهای جامعه امروز نیست و لازم است که رویکرد قانون‌گذار در مسئولیت مدنی ناشی از خسارت فناوری زیستی با تکیه بر اصول اخلاق زیستی به سمت مسئولیت محض سوق پیدا کند.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی؛ خسارت؛ فناوری زیستی؛ اصل سودمندی؛ اصل عدم ضرر

نویسنده مسئول: سمیه رحمانی؛ پست الکترونیک: prsrhmanim@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۱؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۱/۱۱

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Rahmani S. Civil Liability Resulting from Biotechnological Damage from the Perspective of Bioethical Principles. *Akhlaq-i zisti, i.e., Bioethics Journal*. 2024; 14(39): e22.

مقدمه

پیشرفت‌های اخیر در زیست فناوری و به‌ویژه مهندسی ژنتیک امکانات جدیدی در اختیار بشر قرار داده است که او را قادر می‌سازد تا به دستکاری ژنتیکی اشکال مختلف حیات و خلق موجوداتی با صفاتی کاملاً جدید بپردازد. طی چند سال گذشته دانشمندان و محققان علوم بیولوژی و پزشکان به فناوری‌های جدیدی مانند لقاح مصنوعی، لقاح در لوله آزمایش، منجمد کردن جنین‌ها، تشخیص قبل از تولد، جداسازی و تفکیک جنین‌ها، همسانه‌سازی (ایجاد جانداران تراریخت)، پیوند زدن اعضاء حیوانی به انسان و غیره دست یافته‌اند. این فناوری کاربردهای سودمندی در پزشکی داروسازی، صنایع و کشاورزی پیدا کرده است. امروزه از منافع فراوان محصولات مهندسی ژنتیک در حوزه‌های مختلف مانند درمان‌های پزشکی تولید انواع داروها واکسن‌ها و پروتئین‌های نو ترکیب افزایش تولید محصولات کشاورزی، پاکسازی محیط زیست از انواع آلاینده‌ها و ... بهره می‌بریم (۱). با پیشرفت علوم و فناوری و افزایش توانایی‌های بشری توجه به مسائل اخلاقی در بهره‌گیری از این فناوری‌ها اهمیت زیادی پیدا کرده است. بدیهی است اغلب فناوری‌ها همواره یک سمت تاریک دارند و به همین دلیل فناوری زیستی هم می‌تواند نتایج ناخواسته‌ای به بار آورد که خطرناک، غیر انسانی و غیر اخلاقی باشد. برخی از نگرانی‌های مطرح‌شده در زمینه مهندسی ژنتیک مربوط به مخاطرات احتمالی و جنبه‌های احتیاطی این فناوری است (۲) که ممکن است باعث خسارت‌هایی شود. الزام قانونی جبران ضرر در حقوق، ذیل عنوان مسئولیت مدنی شناخته شده است که به موجب آن شخصی که ضرر ناروا در نتیجه فعل یا ترک فعل او به وجود آمده است یا منتسب به او باشد، ملزم به جبران خسارت وارده می‌شود. در واقع مسئولیت مدنی مفهومی است که با ورود ضرر و حصول زیان معنا پیدا می‌کند و براساس آن زیان وارده به هر شکل که باشد باید به نوعی جبران شود چنان‌که لزوم جبران خسارات زیان‌دیده یک اصل مسلم و عقلایی به شمار می‌رود. جبران شدن تمام لطمات و نواقص وارده به حقوق مشروع اشخاص اعم از مادی

بدنی و معنوی مهمترین هدف همه نظریات و دیدگاه‌های فلسفی می‌باشد. مسأله مهم این است که در صورت خسارت فناوری زیستی، مسئولیت مدنی ناشی از آن از منظر اصول اخلاق زیستی چگونه قابل تبیین است؟ به منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا اصول اخلاق زیستی و فناوری زیستی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در ادامه از شرایط تحقق مسئولیت مدنی در پرتو اصول اخلاق زیستی بحث می‌شود.

روش

این مقاله به شیوه توصیفی-تحلیلی نگاشته شده و با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای به انجام رسیده است.

یافته‌ها

براساس اصول مهم اخلاق زیستی مانند اصل عدم ضرررسانی و همچنین اصل سودمندی، فناوری زیستی لازم است هم موجب ضرر نشود و هم سودمند باشد. در صورت ورود ضرر ناشی از فناوری زیستی، لازم است جبران خسارت شود؛ این در حالی است که در حقوق ایران مبنای نظام مسئولیت بر پایه تقصیر قرار گرفته است و مشکل بزرگی که در زمینه جبران خسارت وارده به زیان‌دیده در چنین نظامی وجود دارد در سختی اثبات تقصیر، توسط زیان‌دیده است که در نتیجه آن نیز خسارت وی جبران نشده باقی می‌ماند.

بحث

۱. اصول اخلاق زیستی و فناوری زیستی

اصل اخلاقی احسان و نیکوکاری نشان‌دهنده اهمیت بیوتکنولوژی و نقش آن در ریشه‌کنی بیماری و گرسنگی از جهان است. در این نگرش از آنجا که مهندسی ژنتیک یک ابزار نیرومند در ریشه‌کنی رنج‌های انسانی است، به‌عنوان یک نیکی فطری می‌باشد. ایفای نقش‌های مهم بیوتکنولوژی در این زمینه حاکی از وجود بارز اصل احسان در فطرت این علم است. از نظر اصل اخلاقی عدالت که بیان می‌کند پیامدهای تکنولوژی باید اکثراً در اختیار کسانی باشد که بیشتر به آن

نیاز دارند، بیوتکنولوژی چنانچه از این اصل که بازتاب موضوع مردم‌شناختی است پیروی کند از این نظر نیز پایبند به اخلاق زیستی است. این موضوع به نحوه استفاده از این تکنولوژی بر می‌گردد. بحث عدالت در بیوتکنولوژی کاملاً تازه و داغ است. اگر این اصل را در مورد بیوتکنولوژی پذیرا باشیم باید محوریت تفکرات براساس زنده‌مداری و طبیعت‌مداری در کنار تفکرات انسان‌مداری باشد. از آنجا که مهندسی ژنتیک را تهدیدی برای طبیعت می‌دانند بنابراین عدالت را از اصول غیر قابل قبول برای بیوتکنولوژی قلمداد می‌کنند. اما بهر حال نحوه استفاده از این علم می‌تواند تضمین‌کننده عدالت در اخلاق زیستی مطرح در بیوتکنولوژی باشد (۳). اصول اخلاق زیستی آنچنان‌که عموماً پذیرفته شده باشد به قرار زیر است:

۱-۱. اصل عدالت / عدم تبعیض

نخستین اصل در اخلاق زیستی عدالت و عدم تبعیض است. اصل اخلاقی عدالت بر پایه تصور و برداشت از تیمارهای بدون تبعیض و انصاف در خلال بحث‌ها و عملکردها می‌باشد. از نظر اخلاق زیستی، تمام موجودات هستی در جایگاهی هستند که عدالت در مورد آن‌ها به هر نحو باید انجام پذیرد. عدالت مفهومی اخلاقی است که بشر آن را از آغاز تمدن خود می‌شناخته و برای استقرار آن کوشیده است این مفهوم در علوم پزشکی و تحقیقات پزشکی نیز دارای جایگاه خاص خود است. عدالت در تحقیقات پزشکی موجب می‌شود در درجه اول نگاه محقق به تمام اقوام و نژادها، کودکان، زنان و سالخوردگان برابر بوده و در درجه بعدی از تمام امکانات برای دستیابی به نتیجه مطلوب بهره گیرد. یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات در مراقبت از سلامتی نوین، پرسش در این باره است که چه کسی برای مراقبت از سلامتی ذی‌حق است؟ یا به بیان دیگر، شاید بتوان گفت جامعه مطلوب ما، باید جامعه‌ای خیرخواه و منصف باشد که پایین‌ترین سطح آبرومندانه مراقبت از سلامتی را برای تمام شهروندان و بدون توجه به قدرت پرداخت آنان تأمین کند (۴). همچنین با در نظر گرفتن اینکه اطلاعات مربوط به ژنتیک انسانی می‌تواند به منظور

۲-۱. اصل منع زیان رساندن

اصل عدم زیان رساندن به‌عنوان دومین اصل بدین مفهوم است که هر رویکرد یا پژوهشی در زیست‌شناسی یا محیط زیست، باید باتکیه بر این امر اتخاذ و انجام شود که به ضرر انسان و محیط اطراف او منجر نشود. اصل آسیب‌آور نبودن یا ایمنی یعنی عملکردها و کارهای انجام شده باید به گونه‌ای باشد که از نظر تعهدات اخلاقی، آسیب‌آور نباشد و همچنین در الزام‌های اخلاقی، نوعی ایمنی وجود داشته باشد (۳). اصل عدم زیان رساندن از ما می‌خواهد که در جریان فعل یا ترک فعل، به طور آگاهانه، آسیب یا صدمه غیر لازم به بیمار وارد نسازیم اگر کسی ریسک صدمه بی‌دلیل و از روی بی‌توجهی را به کسی تحمیل کند، به اصطلاح آن را قصور تلقی می‌کنیم.

تدوین استاندارد مناسب مراقبت، برای اجتناب یا به حداقل رساندن ریسک آسیب، نه فقط از سوی اعتقادات اخلاقی عموماً پذیرفته شده ما بلکه از سوی قوانین جامعه نیز مورد حمایت قرار می‌گیرد. در یک الگوی حرفه‌ای‌گرایانه مراقبت، اگر کسی استانداردهای مرتبط با مراقبت را رعایت نکند از نظر اخلاقی و قانونی قابل سرزنش است. این اصل نیاز به صلاحیت پزشکی را مورد تأکید قرار می‌دهد. روشن است که در پزشکی، خطاهایی بروز می‌یابد، با این حال، این اصل تعهد بنیادین حرفه‌ای‌گرایان مراقبت از سلامتی را برای حفظ بیماران خود از آسیب بیان می‌کند.

۱-۳. اصل احترام به خودمختاری (رضایت آگاهانه)

سومین اصل از این اصول چهارگانه اصل استقلال و خودمختاری است. این اصل به‌عنوان یک اصل مهم اخلاقی، متضمن احترام به افراد و حریم خصوصی آنهاست و حق شخص به اعلام رضایت تعیین سرنوشت و توانایی کنترل آنچه برای انسان رخ می‌دهد، می‌باشد و در پرتو آن اعمال اراده در صورتی قابل پذیرش است که تأثیر نامطلوبی بر حقوق دیگران نگذارد. اصل خودمختاری اصل راهنما برای به رسمیت شناختن ظرفیت‌های انسان برای خودمختاری و استقلال در تصمیم‌گیری‌هاست. این اصل اخلاقی با توجه به ظرفیت‌های بالای انسان، نوع تصمیم‌گیری‌های وی را در مورد جهان هستی و در رابطه با اصول اخلاق زیستی به رسمیت می‌شناسد.

احترام به خودمختاری همه طرف‌های مرتبط با فناوری زیستی را شامل می‌شود. در بحث دستکاری ژنتیکی، یکی از عواملی که «احتمال نقض استقلال افراد را پیش می‌آورد، انتظارات والدین مبتنی بر انتخاب ژنوم است. در دستکاری ژنتیکی و مسأله شبیه‌سازی نگرانی این است که چون انتخاب ژن‌ها معنای خاصی برای والدین دارد، زوج‌ها از کودک خود بخواهند یا توقع داشته باشند که زندگی منبع ژن را تقلید و کپی‌برداری نماید. بدین ترتیب آن‌ها با راهنمایی کودک برای برآورده ساختن انتظارات، او را از توانایی برای انتخاب مسیر زندگی خودش محروم می‌کنند. درنهایت این امر منجر به آن خواهد شد که کودک خود را فاقد آزادی عمل و محدود به آنچه که منبع دی‌ان‌ای او عمل کرده است، تصور نمایند. لذا آنچه که محصول این تصور خواهد بود از میان رفتن استقلال و آزادی کودک شبیه‌سازی شده است» (۵).

در یک معنای بدیهی، ما همیشه باید به خودمختاری بیمار احترام بگذاریم چنین احترامی صرفاً یک مسأله مربوط به طرز تلقی نیست، بلکه یک شیوه عمل برای اذعان و حتی ارتقاء اعمال خودمختارانه بیمار است. شخص خودمختار ممکن است آزادانه علایق و دستگاه‌های عقیدتی مذهبی‌ای را انتخاب کند که دیگر آزادی‌های آن شخص را محدود می‌کنند برای مثال اعضاء فرقه شاهدان یهوه «انتقال خون را نادرست می‌دانند.

بنابراین، در یک موقعیت مهلک که تزریق خون برای نجات جان بیمار الزامی است، بیمار باید از این امر آگاه شود تبعات امتناع از تزریق خون باید روشن شود پزشک علاقه‌مند به منفعت «بیمار با این اعتقاد که تزریق خون یک «منفعت پزشکی» بدیهی است، ممکن است جداً خواهان تزریق خون باشد هنگامی که این بیمار خاص به درستی و مشفقانه آگاه شد، آنگاه آزاد است تزریق خون را که با تمایل به زندگی همخوانی دارد، انتخاب کند یا با اولویت دادن به عقاید مذهبی‌اش مبنی بر غلط بودن انتقال خون از پذیرش تزریق خون، حتی با پذیرش مرگ خود، امتناع کند. در تحلیل مورد فوق، پزشک در قبال احترام به انتخاب خودمختارانه بیمار، یک وظیفه بدیهی، و نیز برای اجتناب از آسیب زدن و تأمین منفعت پزشکی یک وظیفه بدیهی دیگر دارد. در این مورد، پزشک با آگاهی از عرف جامعه و شرایط قانون مربوط به آزادی رفتار مذهبی فرد، برای احترام به خودمختاری بیمار نسبت به وظایف دیگر اولویت بیشتری قائل می‌شود برعکس اگر بیمار مورد بحث، یک کودک ۱۰ ساله باشد، و والدینش از تزریق خون برای نجات جانش امتناع کنند به نظر می‌رسد اصل اجتناب از آسیب مهلک، و اصل تأمین منفعت پزشکی که می‌تواند به کودک زندگی و سلامتی ببخشد، از اصل خودمختاری والدین کودک، به‌عنوان تصمیم‌گیرندگان نیابتی، اولویت می‌یابند.

در تعریف کلی می‌توان رضایت آگاهانه را این‌گونه بیان کرد: رضایت بیمار یا ولی قانونی او، جهت انجام اقدامات تشخیصی یا درمانی را رضایت آگاهانه می‌گویند (۶).

اگر بیمار تصمیم بگیرد که درمان را دریافت کند، از وی خواسته می‌شود که فرمی را به نام فرم رضایت‌نامه، امضا کرده یا پس از صحبت با ولی قانونی از آن‌ها درخواست تکمیل فرم می‌شود. فرم رضایت‌نامه امضاء شده یک سند حقوقی است که اجازه می‌دهد تا پزشک به برنامه درمانی ادامه دهد. اگر بیمار تصمیم بگیرد که درمان یا روش درمانی به‌خصوصی را نپذیرد، نباید فرم رضایت‌نامه را امضاء کند. در این مورد اصولاً از وی خواسته می‌شود که یک فرم رد آگاهانه (عدم رضایت) را

تکمیل نماید. امضای بیمار در این فرم نشان می‌دهد که بیمار خطرات رد شدن را می‌داند پس لازم است پیش از امضاء مطمئن شود که این خطرات را متوجه شده است (۶).

«آزادی عمل، ویژگی اشخاص و نه غیر اشخاص، نظیر کودکان بسیار کوچک، حیوانات و گیاهان است. از این منظر میان انسان و شخص تمایز وجود داشته و رابطه منطقی عام و خاص مطلق حاکم است. فرض بر این است که اشخاص می‌توانند از رهگذر اراده و اختیاری که دارند، راهبر خود باشند، تمایلات، خواسته‌ها و ارزش‌های غالب اجتماعی را تشخیص داده و در راستای شناسایی خود و پیرامون خود، آن‌ها را انعکاس دهند. به معنای دقیق کلمه، آزادی عمل، در بادی امر، خصیصه اشخاص محسوب می‌گردد که به موجب آن، دست به انتخاب می‌زنند، خواسته‌های مطلوب خود را دنبال کرده و به آن‌ها جنبه عملی می‌بخشند» (۷).

۱-۴. اصل سودمندی

بر اساس اصل چهارم که اصل سودمندی نامیده می‌شود بر لزوم افزایش منافع و کاهش آسیب‌ها تأکید می‌گردد. بر اساس این اصل، هرگونه اقدام علمی، پزشکی یا فناوری زیستی باید به سود افراد و جامعه باشد و از وارد کردن ضرر و زیان پرهیز کند (۸). باید گفت که در بحث حقوق و قانون‌گذاری است که جرمی بنام نظریه معروف خود، اصل سودمندی را مطرح می‌کند. او معتقد است که از میان امکانات مختلفی که در هر مورد در برابر ما وجود دارد، باید آن امکان را برگزینیم که بیشترین سعادت با لذت را برای بیشترین تعداد از افراد مهیا می‌سازد. اما اینکه این اصل مهم را با کارایی کامل اجرا کنیم سه شرط باید رعایت گردد: نخست آنکه باید مفهوم مشخص و دقیقی برای واژه سودمندی قائل شویم. دوم آنکه باید حاکمیت و تقسیم‌ناپذیری این اصل را در هیچ موردی قائل نشویم و سوم اینکه باید نوعی روش محاسبه یا حساب اخلاقی را کشف کنیم که به وسیله آن بتوانیم به نتایج یکسانی برسیم. مبنای رایج این اصل عبارت است از وظیفه ارائه‌دهندگان مراقبت از سلامتی برای اینکه به حال بیمار مفید باشند و برای پیشگیری از آسیب دیدن بیمار و رفع آسیب‌گام‌های مثبتی بردارند. این وظایف، بدیهی تلقی می‌شوند و به طور وسیع به‌عنوان هدف‌های شایسته پزشکی پذیرفته می‌شوند. این هدف‌ها هم در مورد بیماران منفرد کاربرد دارند و هم برای جامعه، به مثابه یک کل مفید هستند. برای مثال، تأمین سلامتی بیماران منفرد یک هدف مناسب پزشکی است پیشگیری از بیماری از طریق تحقیق و بهره‌گیری از واکسن‌ها

بر مبنای اصل استقلال عمل، بیمار حق بر رد یا انتخاب درمان خویش را دارد. اصل مزبور، حقوق اشخاص را در باب تعیین سرنوشت خویش به رسمیت می‌شناسد و ریشه در احترام جامعه به قابلیت اشخاص در مورد تصمیم‌گیری آگاهانه در باب مسائل شخصی دارد. به واقع، این اصل از نظرگاه حق‌های بنیادین بشری، اعمال‌گر حق بر تعیین سرنوشت اشخاص است. امروزه، این اصل به مثابه ارزشی اجتماعی از اهمیت چشمگیری در توصیف کیفیت پزشکی و نتایج حاصله از عملکرد پزشکی برخوردار شده و از چنان جایگاهی اجتماعی برخوردار گردیده است که به منزله واکنشی اجتماعی در قبال سنت «پدرسالاری» در مراقبت بهداشتی محسوب می‌گردد.

بر اساس بند ۲۵ منشور حقوق بیمار در ایران در صورتی که بیمار به هر دلیلی فاقد ظرفیت تصمیم‌گیری باشد، اعمال کلیه حقوق بیمار مذکور در این منشور به عهده تصمیم‌گیرنده قانونی به‌عنوان جایگزین خواهد بود. البته چنانچه تصمیم‌گیرنده جایگزین برخلاف نظر پزشک مانع درمان بیمار شود پزشک می‌تواند از طریق مراجع ذی‌ربط درخواست تجدید نظر در تصمیم‌گیری را بنماید. بر اساس تبصره ۲ ماده ۴۹۵ قانون مجازات اسلامی تصمیم‌گیرنده جایگزین

حق بر هر عضوی از یک جامعه متمدن و در واقع بر اراده او اعمال کنترل کند، جلوگیری کردن از آسیب به دیگران است» (۱۰). در همین حال وجود خسارت (ضرر) یکی از ارکان مهم تحقق مسئولیت مدنی است. موضوع مسئولیت مدنی جبران ضرر ناروا است و تا زمانی که ضرری محقق نشود موضوعی برای جبران وجود ندارد (۱۱).

در قانون مدنی ایران در هیچ ماده‌ای از وجود ضرر و خسارت به‌عنوان رکن اصلی مسئولیت مدنی نامی به میان نیامده است؛ اما در برخی از مواد قانونی این معنا قابل استخراج است؛ چنان‌که علاوه بر تصریحات قانون مسئولیت مدنی، به موجب ماده‌ی ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، منافی که حصول آن ممکن بوده است نیز قابل مطالبه هستند و طبق اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده‌ی ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، ضرر و زیان معنوی شامل کسر حیثیت یا اعتبار اشخاص یا صدمات روحی ناشی از درد جسمی و رنج‌های روحی می‌گردد (۱۲).

این موارد نشان‌دهنده این است که قانونگذار در ایران قائل به انواع ضرر (۱) مادی، (۲) معنوی و بدنی یا جسمی است. در موادی از قانون مدنی نظیر ماده ۲۲۱ و مواد ۲۲۶ و ۲۲۷ نیز کلمه خسارت به کار رفته است و از این حیث به نظر عدم ذکر تعریف از واژه خسارت و سکوت قانون در این خصوص به دلیل بداهت امر بوده است (۱۳). همچنین در ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی مقرر شده است: «هرگاه صغیر یا مجنون غیر رشید باعث ضرر شود ضامن است» و در ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی نیز آمده است: «درخصوص مطالبه خسارت وارده خواهان باید این جهت را ثابت نماید که زیان وارده بلافاصله ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر در آن و یا عدم تسلیم خواسته بوده است در غیر این صورت دادگاه دعوی مطالبه خسارت را رد خواهد کرد».

در مواد ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی به وجود ضرر اشاره شده است. ضرر باید مسلم و قطعی باشد از این رو برای اینکه زیان دیده بتواند خسارت خویش را از عامل زیان مطالبه نماید باید ضرر را اثبات کند چرا که مطابق اصل عدم و براساس احتمال نمی‌توان کسی را مسئول شناخت و لذا یکی از شرایط

نیز همان هدف است که به کل جمعیت تعمیم یافته است. گاهی اوقات چنین پنداشته می‌شود که نازیانمندی یک وظیفه دائمی است یعنی انسان هرگز نباید به دیگران آسیب برساند حال آنکه سودمندی یک وظیفه محدود است یک پزشک وظیفه دارد در پی تأمین منافع هریک یا تمام بیماران خود باشد در حالی که آن پزشک نیز می‌تواند افراد را برای آنکه بیمار او باشند، انتخاب کند، و وظیفه‌ای جدی برای تأمین منافع بیمارانی که بیمار وی نیستند، نداشته باشد. هنگامی که دو بیمار به طور همزمان نیاز به درمان دارند این وظیفه پیچیده می‌شود. برای تصمیم‌گیری در این باره که به کدام یک از آنان در آن لحظه باید کمک شود، می‌توان از بعضی معیارهای فوریت نیاز، یا اصل هر کس اول آمد اول درمان شود، بهره گرفت.

۲. شرایط تحقق مسئولیت مدنی ناشی از فناوری زیستی

در این قسمت بررسی شرایط تحقق مسئولیت مدنی ناشی از فناوری زیستی با نگاهی به اصل عدم ضرررسانی و سودمندی در اخلاق زیستی محل بحث و مطالعه قرار می‌گیرد.

۱-۲. اصل عدم ضرررسانی در اخلاق زیستی و لزوم وجود خسارت (ضرر) در مسئولیت مدنی

اصل عدم زیانمندی یا عدم ضرررسانی از اصول مهم اخلاق زیستی است. «این اصل در زمره اصول بنیادینی است که در قلمرو حقوق کیفری تمرکز اولیه بر آن بوده و با توجه به دامنه عام این اصل، هیچ شخصی، به‌ویژه به اشخاص خاص اعم از پزشکان و پرستاران به یک‌سو و خویشاوندان و دوستان به دیگرسو، نباید به دیگری، به‌ویژه شخص بیمار یا آزمودنی، آسیب یا صدمه جسمانی وارد آورد. به نحوی که جان استوارت میل در دیدگاهی کلاسیک به اصل آسیب تصریح می‌دارد، این اصل حکم می‌کند که هر شخص باید حق بر اعمال کنترل خویش بر خویش و بر جسم و روان خویش را داشته باشد و نیز حکم می‌کند که تنها هدفی که برای آن، قدرت می‌تواند به

۲-۲. اصل سودمندی در اخلاق زیستی و فعل زیانبار در

مسئولیت مدنی

یکی دیگر از اصول اخلاق زیستی که می‌توان آن را بعد ایجابی اصل عدم ضرر رساندن تلقی کرد، اصل سودمندی است. مطابق اصول اخلاق زیستی، فناوری زیستی صرفاً در شرایطی جایز است که سودمندی به همراه داشته باشد (۱۷). در همین حال در تحقق مسئولیت باید فعل زیانباری وجود داشته باشد و بدون فعل زیانبار نمی‌توان ضرر را منتسب به غیر نمود. همچنین گاه ترک فعل موجب مسئولیت می‌گردد که برحسب تنوع فعل مسئولیت قهری هم از فعل مثبت و هم از فعل منفی به وجود می‌آید؛ ولی در مسئولیت قراردادی غالباً فعل منفی است (۱۸). یکی از ارکان مسئولیت مدنی فعل زیان‌بار است که در حقوق ایران ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و در حقوق فرانسه ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی فرانسه به آن اشاره داشته‌اند. فعل زیان‌بار در جهت تعیین متعهد جبران خسارت ضروری است. مسئول جبران در زنجیره اسباب شخصی است که فعل زیان‌بار را انجام داده است که به طور سنتی این فعل باید تقصیرآمیز باشد. در کنار این مبنای سنتی یعنی تقصیر، مبانی دیگری مانند نظریه خطر، نظریه مختلط، نظریه تضمین و نظریه تعهد ائمنی نیز ارائه شده است.

با وجود این، نظرات در یک نکته اشتراک دارند و آن اینکه مسئولیت مدنی نیازمند فعل زیان‌بار است و بنابراین در تعیین شخص مسئول، قاعده این است که اصولاً شخصی به‌عنوان مسئول جبران خسارت تعیین می‌گردد که مرتکب فعل یا ترک فعلی شده باشد. درواقع، مسئولیت مدنی شخص واردکننده زیان، به واسطه انتساب عمل نامشروع و غیرقانونی است که موجب ورود ضرر به زیان‌دیده شده است. این عمل، در یک فرض انجام فعلی است که سبب ورود زیان شده است (۱۹).

«مهم‌ترین نکته در تغییرات ژنتیکی در نوع انسان این است که ابتدا باید مشخص شود آیا ایجاد تغییراتی که در نظر است نسبت به ترکیب ژنتیکی سلول صورت پذیرد، جنبه درمانی دارد یا خیر، زیرا در صورتی که این روش، جنبه معالجه و درمان نداشته و فقط برای تغییر برخی صفات یا ویژگی‌های

ضرر قابل جبران این است که ضرر مذکور مسلم و قطعی باشد (۱۴). حال آنچه درخور تأمل بوده ضرری است که هنوز ایجاد نشده و بعداً در اثر حادثه‌ای که اتفاق افتاده است به وجود می‌آید (۱۵). در این ارتباط برخی عقیده دارند که لزوم جبران ضرر آینده چه در مسئولیت قهری و چه قراردادی متصور است و برخی نیز با تفکیک بین ضرر آینده و ضرر محتمل ضرر از نوع اول را قابل جبران می‌دانند و ضرر محتمل را که وجود خسارت در حال یا آینده محقق نیست قابل جبران نمی‌دانند (۱۶). بنابر اصل احتیاط، اگر احتمال می‌رود یک مداخله یا فناوری در حوزه‌های طبیعی و زیستی باعث وقوع بعضی خطرها شود، عدم یقین علمی در مورد این خطرها نباید مانع از پیشگیری از آن‌ها گردد، اما هنگامی که بنابر شواهد علمی خطری شناخته نشده است، توسعه و پیشرفت جامعه مستلزم انجام این مداخلات است، اما از آنجایی که از نظر علمی نمی‌توان تمامی خطرات احتمالی یک مداخله یا فناوری را پیش‌بینی نمود و از طرف دیگر، سلامت و پیشرفت جامعه مستلزم این مداخلات است، بایستی مداخلات را با کنترل و توجیه حداقل ضرر شناسایی‌شده اجرایی نمود.

تحقیقات ژنتیک یکی از ابعاد فناوری زیستی است که ممکن است باعث خسارت به افراد شرکت‌کننده در فرایند تحقیقات شود. در بحث مسئولیت قراردادی در تحقیقات ژنتیک بایستی عنوان نمود که برابر ماده ۷۷۱ قانون مدنی: «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند، در صورت تخلف، مسئول خسارت طرف مقابل است، مشروط بر اینکه جبران خسارت، تصریح‌شده و یا تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد و یا برحسب قانون، موجب ضمان باشد». در فرض دیگری ممکن است شرط مطالبه خسارت و یا عدم النفع شود که در این صورت با گونه‌ای شرط فعل یا شرط نتیجه روبه‌رو خواهیم بود. بنابراین با توجه به اینکه در بسیاری از موارد، فرد دارای حق (برای نمونه، جنین موضوع تحقیقات ژنتیکی) در موقعیتی نیست که بتواند چنین شرطی را بگذارد، باید بر این باور بود که تعهد حرفه‌ای پزشک، عرفاً به منزله تصریح خواهد بود.

فرد به کار می‌رود در نهایت عواقب سوء و ناگواری را به دنبال خواهد داشت و حساسیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را بر خواهد انگیخت. به‌عنوان مثال، معالجه بیماری‌هایی نظیر هموفیلی، با تکنیک‌های ژن‌درمانی و تغییرات ژنتیکی، بسیار سودمند است؛ در عین حال، تغییر صفات و خصوصیات فردی نظیر قد، هوش، استعداد، خلق‌وخوی و یا انتخاب جنسیت نوزاد قبل از تولد، جای بحث و سؤال دارد. نکته قابل توجه دیگر این است که ورود ژن به مجموعه ژنی سلول‌های سوماتیک یا غیر جنسی بدن، با ورود آن به سلول‌های جنسی، اثرات متفاوتی بر جا می‌گذارد. در حالت اول، تغییرات حاصله تنها در همان فرد گیرنده ژن باقی می‌ماند و در حالت دوم، این تغییرات به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود؛ در نتیجه انجام هرگونه دستکاری ژنتیکی روی سلول‌های جنسی، آثار و عواقب گسترده‌ای را به دنبال خواهد آورد که از نظر قانونی، خلاف شمرده می‌شود. مهم‌ترین دلیل از دیدگاه برخی گروه‌های مذهبی و حتی گروه‌های ضد بیوتکنولوژی، در مورد اعمال تغییرات ژنتیکی و ژن‌درمانی روی سلول‌های جنسی، این است که معتقدند این‌گونه کارها سوء استفاده‌های زیادی را به دنبال دارد و تلاشی در جهت تولید نسل برتر یا تغییر در خلقت انسان و طبیعت است (۲۰). در مراقبت از سلامتی، و برای هنگامی که اصل سودمندی نسبت به اصل احترام به خود مختاری بیمار اولویت می‌یابد، مثال روشنی وجود دارد.

فرد به کار می‌رود در نهایت عواقب سوء و ناگواری را به دنبال خواهد داشت و حساسیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را بر خواهد انگیخت. به‌عنوان مثال، معالجه بیماری‌هایی نظیر هموفیلی، با تکنیک‌های ژن‌درمانی و تغییرات ژنتیکی، بسیار سودمند است؛ در عین حال، تغییر صفات و خصوصیات فردی نظیر قد، هوش، استعداد، خلق‌وخوی و یا انتخاب جنسیت نوزاد قبل از تولد، جای بحث و سؤال دارد. نکته قابل توجه دیگر این است که ورود ژن به مجموعه ژنی سلول‌های سوماتیک یا غیر جنسی بدن، با ورود آن به سلول‌های جنسی، اثرات متفاوتی بر جا می‌گذارد. در حالت اول، تغییرات حاصله تنها در همان فرد گیرنده ژن باقی می‌ماند و در حالت دوم، این تغییرات به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود؛ در نتیجه انجام هرگونه دستکاری ژنتیکی روی سلول‌های جنسی، آثار و عواقب گسترده‌ای را به دنبال خواهد آورد که از نظر قانونی، خلاف شمرده می‌شود. مهم‌ترین دلیل از دیدگاه برخی گروه‌های مذهبی و حتی گروه‌های ضد بیوتکنولوژی، در مورد اعمال تغییرات ژنتیکی و ژن‌درمانی روی سلول‌های جنسی، این است که معتقدند این‌گونه کارها سوء استفاده‌های زیادی را به دنبال دارد و تلاشی در جهت تولید نسل برتر یا تغییر در خلقت انسان و طبیعت است (۲۰). در مراقبت از سلامتی، و برای هنگامی که اصل سودمندی نسبت به اصل احترام به خود مختاری بیمار اولویت می‌یابد، مثال روشنی وجود دارد. هنگامی که بیمار، به واسطه یک حادثه ناگوار طبیعی یا بیماری از پا افتاده باشد، فرض می‌کنیم که یک فرد منطقی بخواهد تا با قاطعیت مورد درمان قرار بگیرد، و ما شتابزده و از طریق بند آوردن خونریزی، بخیه زدن زخم‌ها و شکسته‌بندی، مداخله سودمندی را ارائه می‌دهیم در این شیوه رفتار هنگامی که پزشک با روحیه خیرخواهانه، بدون مشاوره با بیمار، یا با نادیده گرفتن علایق او برای ارائه درمانی سودمند، اقدام می‌کند، پدربانانه تلقی می‌شود. روشن‌ترین مورد پدربانانه موجه در درمان بیمارانی که اقدام به خودکشی کرده و برای خودشان خطرناک هستند، دیده می‌شود در این مورد، وظیفه سودمندی مستلزم آن است که پزشک به خاطر نجات زندگی

بیمار یا قرار دادن بیمار در یک محیط حفاظتی، با این اعتقاد که بیمار در خطر است و نمی‌تواند در جهت تأمین بهترین منفعت خود در آن لحظه دست به عمل بزند، مداخله کند. در اینجا این سؤال اهمیت پیدا می‌کند که آیا قاعده ضرورت فعل زیان بار هنوز به قوت خود باقی است یا خیر؛ و با لحاظ تفکیک بین تقصیر و فعل زیان‌بار آیا تقصیر هنوز مبنای مسئولیت است یا صرف فعل زیان بار کفایت می‌کند. از نظر تحلیلی نمی‌توان تقصیر را به کلی از حقوق مسئولیت مدنی حذف کرد اما در عین حال، حقوق در این چارچوب نیز محصور نمی‌ماند چنانکه امروزه در کنار این قاعده نظرات دیگری مطرح شده که بر دامنه قاعده نقش فعل در تعیین مسئول اثر گذاشته است که در قسمت بعدی که در خصوص رابطه سببیت است مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فاعل فعل زیان‌بار زمانی مسئول جبران خسارت وارده به دیگری است که عمل زیان‌بار منتسب به او باشد و نیز در صورتی فاعل فعل زیان‌بار مسئول عمل خویش است که عمل شخص بدون مجوز قانونی صورت پذیرد (۲۱). در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی نیز به عبارت بدون مجوز قانونی اشاره شده است یعنی اگر فعل با مجوز قانونی انجام گیرد که شخص مسئول خسارت ناشی از آن نیست لذا گفته شده است: هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.

با توجه به اصل رضایت آگاهانه، می‌توان گفت در آزمایشات علمی که با انگیزه‌های متفاوت و صرف‌نظر از نوع آن، بر روی انسان انجام می‌گیرد برخلاف موارد درمانی که پزشک موظف به دادن اطلاعات کامل به بیمار نبوده و این بیمار است که وظیفه درخواست آن را دارد در این نوع آزمایشات که بعضاً نیز ممکن است بر روی افراد داوطلب و سالم صورت پذیرد، دست‌اندرکاران و متخصصین مربوطه موظف هستند علاوه بر بیمه نمودن داوطلب قبل از شروع مراحل آزمایش، داوطلب را از عوارض،

است دچار مشکل شده و در نتیجه عدم توانایی اثبات خسارت جانی یا ... زیان دیده بی جبران بماند و این بحث که می توان وقوع آسیب را اماره بر تقصیر دانست مشکل را حل نمی کند چرا که اولاً مبنای قانونی ندارد و ثانیاً تنها باعث می شود که توسعه دهندگان فناوری در معرض خطر محکومیت بی دلیل باشند و از همه این ها مهمتر این موضوع تنها پاک کردن صورت مسأله بوده و در صورتی که قرار بر پیش فرض گذاشتن تقصیر بر کسی باشد نظریه مسئولیت محض همین نتیجه را دارد. امروزه حقوق بشر با مفاهیمی همچون حق حیات، حق بر محیط زیست سالم و حق بر سلامت گره خورده است. با توجه به اهمیت تأمین امنیت غذایی برای دولت ها، همواره بیم آن می رود که در تولید محصولات تراریخته این اصول بنیادین نادیده گرفته شود فلذا سازوکارهای قانونی پیشگرا در این زمینه ضروری به نظر می رسد.

۳-۲. رابطه سببیت و ضرورت مسئولیت محض

آنچه سبب می شود شخص واردکننده ضرر را مسئول جبران زیان های وارده به زیان دیده بدانیم، رابطه ای است که میان فعل یا ترک فعل وی و زیان وارده وجود دارد؛ به گونه ای که عرفاً بتوان فعل یا ترک فعل شخص را مسبب ورود زیان به زیان دیده دانست؛ اما در صورتی که نتوان به واسطه عرف و اوضاع و احوال این رابطه را کشف و اثبات نمود، نمی توان به هیچ وجه او را ضامن خسارات وارده دانست (۲۲). لذا، برای تحقق مسئولیت باید احراز شود که بین ضرر و فعل زیانبار رابطه سببیت وجود دارد، یعنی ضرر از آن فعل ناشی شده است. البته برای اینکه حادثه ای سبب شود، باید آن حادثه در زمره ی شرایط ضروری تحقق ضرر باشد یعنی، احراز شود که بدون آن ضرر واقع نمی شود (۲۳). البته بررسی این امر گاهی بسیار دشوار بوده و در مواردی نیز غیر ممکن است. اثبات ورود ضرر به زیان دیده و همچنین ارتکاب تقصیر یا وقوع فعلی از طرف خواننده یا کسانی که مسئولیت اعمال آنان با اوست، به تنهایی دعوی خسارت را توجیه نمی کند باید احراز شود که

نواقص و عیوب احتمالی که بعد انجام آزمایش ممکن است در فرد بروز کند تمام اطلاعاتی را که در این خصوص به حقوق بیمار ارتباط پیدا کرده و وی را از تمام ابعاد و مشکلات بعدی آن متوجه می سازد، آگاه کند. قابل ذکر است زمانی که شخص به صورت داوطلب به جهت کمک به کشف داروی جدید و اهداف خیرخواهانه، خود را در معرض آزمایش قرار می دهد نیز در صورتی که آزمایشگاه مربوطه یا اشخاص و کارکنان و متخصصین آن فاقد مجوزها و مدارک قانونی جهت انجام امور آزمایشگاهی باشند باز هم با وجود داوطلب شدن شخص در مقابل او مسئول بوده و علاوه بر آن طبق قانون مجرم نیز شناخته می شوند. دلیل این امر نیز آنجا هویداست که شخص داوطلب با فرض قانونی بودن دایر شدن آزمایشگاه و اعمال اشخاص فعال در آن اقدام به در اختیار قرار دادن خود به عنوان یک نمونه جهت آزمایشات دارویی و پزشکی نموده است و قانون مجازات اسلامی نیز به صراحت اعمال پزشکی اشخاص فاقد مدارک و مجوز را جرم دانسته و مجازات آن را نیز معین کرده است.

لازم به ذکر است که بحث فناوری زیستی، بحثی گسترده است که محصولات تراریخته را نیز شامل می شود. امروزه یکی از دغدغه های استفاده از محصولات تراریخته ناشی از فناوری زیستی، بحث زیان وارده به مصرف کنندگان و مهمتر از آن اثبات این زیان است. لازم است در صورت وقوع آسیبی از جانب محصولات غذایی تراریخته در انسان ها زیان دیده را معاف از وقوع اثبات تقصیر توسط مقصر کنیم و همچنین شخصی که جنایت یا آسیب وارده به او منتسب است را در وضعیتی قرار دهیم که اثبات عدم سوء نیت تنها از باب کیفر در روند رسیدگی وی مؤثر باشد و این رویه در کشورهای دیگر از جمله حقوق فرانسه نیز مد نظر قرار گرفته است، هرچند که قاضی تحت شرایطی حق تخفیف در خسارت پرداختی توسط واردکننده زیان را دارد، همچنین دلیل دیگری که به این نظریه استناد می شود این مسأله است که در صورتی که تقصیر را شرط مسئولیت واردکننده ضرر بدانیم باید مطابق اصله البراهه زیان دیده تقصیر عامل زیان را ثابت کند که در این صورت در بحث مواد تراریخته که محصولات آزمایشگاهی هستند ممکن

بین دو عامل ضرر و فعل زیانبار رابطه سببیت وجود دارد یعنی ضرر از آن فعل ناشی شده است (۲۴، ۲۵).

رابطه سببیت یکی از ارکان مهم مسئولیت کیفری و مدنی و نقطه اشتراک این دو نوع مسئولیت است. به گونه‌ای که بدون اثبات آن هیچ‌یک از دو نوع مسئولیت قابل تحقق نمی‌باشد. با این وجود رابطه استناد در این دو قلمرو تفاوت‌های اساسی داشته و در حوزه مسئولیت کیفری باید با نگرش کیفری به این پدیده نظاره کرد زیرا هریک از آن‌ها اقتضانات و لوازم خود را دارند و طبعاً بر مبنای همان ساختار، نوع مسئولیت قابل بررسی و تحقق می‌باشد. هرچند جبران خسارت به‌عنوان نتیجه تحقق مسئولیت کیفری مورد قبول خواهد بود ولی قابلیت استناد در امر کیفری مبتنی بر اصولی برگرفته از مبانی کیفری است.

وجود قرارداد یکی از مواردی است که به اثبات مسئولیت مدنی ناشی از فناوری زیستی کمک می‌کند. در تحقیقات ژنتیکی علاوه بر اینکه منجر به حفظ بیشتر حقوق فرد مورد آزمایش و محقق و یا تیم تحقیقاتی می‌گردد می‌تواند عاملی در جهت سهولت در دریافت خسارت با وجود قرارداد بوده و از اختلافات احتمالی در آینده جلوگیری به عمل آورد؛ لذا در صورتی می‌توان در خصوص مطالبه خسارت به قرارداد استناد نمود که قراردادی معتبر و لازم‌الاجرا وجود داشته باشد که دارای شرایطی باشد از جمله صحت آن و اینکه خسارت وارده از عدم اجرای مفاد قرارداد به وجود آمده باشد و مدعی خسارت صاحب حق باشد.

در اینکه بتوان خسارات فناوری زیستی را در قالب مسئولیت‌های مدنی سنتی مطالبه نمود تردیدهای جدی وجود دارد. این‌گونه ضررها، با شکل سنتی ضرر که این‌گونه تعریف شده است: نقضی در اموال یا منافع مسلم یا لطمه‌ای بر سلامت و حیثیت، سازگاری کاملی ندارند. با این همه، چنان نیست که نتوان این خسارات را به هیچ وجه با ضوابط سنتی تطبیق داد. با وجود این چون تلقی عمومی از مبنای مسئولیت مدنی در حقوق ایران مسئولیت مبتنی بر تقصیر است (۲۶) پذیرش آن در ارزیابی خسارات فناوری زیستی،

ناکارآمد خواهد بود. برای رفع اشکالات نظریه تقصیر، حقوقدانان اصلاحاتی را نسبت به مفهوم سنتی تقصیر و اجرای قواعد عمومی مسئولیت مطرح نمودند ولی به دلیل ناکارآمدی این اصلاحات این نظریه کنار گذاشته شد. در حقیقت آخرین تمهید این است که در کنار استفاده از مسئولیت قهری و قراردادی نوعی مسئولیت محض به وجود آید. مراد از مسئولیت محض مسئولیت بدون اثبات تقصیر است که تولیدکننده و فروشنده اگر تمام احتیاطات لازم را نیز به عمل آورند، باز مسئول شناخته می‌شوند. در زمینه‌هایی مثل تجاوز به حقوق و منافع زیان‌دیده یا بهره‌برداری غیر مجاز از مال دیگری که نیاز به اثبات تقصیر عامل زیان نیست و عامل زیان مسئول تلقی می‌گردد می‌گویند مسئولیت محض وجود دارد (۲۷).

این اصطلاح، نمودار مسئولیتی است که به حکم قانون و بر پایه مصلحت و تدبیر ایجاد می‌شود و تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی نیست، به همین دلیل هم آن را «مسئولیت نوعی یا کلی» نامیده‌اند. هدف این مسئولیت، تحمیل ضمان به نتیجه فعل است، نه کیفیت آن؛ با این بیان که اگر در قواعد عمومی فعل زیان بار سبب ضمان می‌شود و مهمترین مسأله آن احراز فعلی ناروا و انتساب آن به مسئول است این مبنا به نتیجه کار شخص توجه دارد و نتیجه ناگوار و مضر برای ایجاد مسئولیت کافی است (۲۸). در مسئولیت محض کافی است خواهان ثابت کند که کالای عرضه‌شده ناشی از فناوری زیستی مانند محصولات ترایخته، عیبی داشته که ضرر از آن برخاسته است. عذر بی‌تقصیری و ناآگاهی از خود عیب از بار این مسئولیت نمی‌کاهد و تنها انتساب ورود ضرر به قوه قاهره می‌تواند خواننده را از نتیجه به بار آمده مبرا کند. این تئوری راه‌حلی است برای مصرف‌کنندگانی که نمی‌توانند خود را در برابر حجم عظیم کالاهای ترایخته (تغییر ژنتیک یافته) ناشی از فناوری زیستی، محافظت نمایند.

به عبارت دقیق‌تر، پذیرش مسئولیت محض به معنی نفی ضرورت اثبات تقصیر یا تضمین سلامت کالا و یا رابطه قراردادی است. در این نوع از مسئولیت به عملکرد تولیدکننده

اعتراض نمی‌شود تا نیاز به اثبات تقصیر داشته باشد، بلکه در مسئولیت محض خود کالای معیوب مورد نظر قرار می‌گیرد، حتی مسئولیت محض تولیدکننده به دلیل تبلیغاتشان در خصوص کالا نیست بلکه به دلیل وجود کالا در بازار است (۲۹). قانون، مسئولیت محض را مقرر می‌کند و بدون قانون مسئولیت محض محقق نمی‌شود. مسئولیت محض در موضوعاتی کاربرد دارد که رویه قضایی یا قانون‌گذار بتواند با توسل به آن بی‌عدالتی را جبران نماید (۳۰). به همین دلیل است که این نوع مسئولیت را مسئولیت استثنایی در نظر گرفته و بر این باورند که باید در شرایط خاصی به اجرا گذاشته و به طور مضیق تفسیر شود (۳۱).

در حقوق داخلی ایران نیز به تدریج نظام تقنینی کشور در یک پیشرفت هماهنگ با رویکرد جهانی به سوی مسئولیت محض حرکت کرده است. اکنون جبران خسارات فناوری زیستی محصولات تراریخته را می‌توان تکلیف تولیدکنندگان یاد شده دانست؛ بی‌آنکه نیازی به اثبات تقصیر یا بی‌مبالاتی و مهارت نداشتن ایشان وجود داشته باشد بلکه اثبات احتیاط‌های لازم نیز نمی‌تواند از تکالیف ایشان بکاهد. براساس بند ب تبصره ماده ۸۱ قانون برنامه پنج ساله دوم توسعه و قوانین مشابه پس از آن واردکنندگان خسارات فناوری زیستی ضامن جبران اعمال زیان بارشان تلقی شده دولت مکلف به پیگیری آنهاست. همچنین قانون ایمنی زیستی ایران در ماده (۶) اشخاص فعال در زمینه فناوری‌های زیستی را در صورت ورود زیان به اشخاص یا زیست بوم به جبران زیان‌های وارده مکلف نموده است؛ بی‌آنکه این مسئولیت افزون بر ایجاد خسارت، شرط و شروطی دیگر به همراه داشته باشد. در نتیجه اهمیت و عمق خسارات احتمالی محصولات تراریخته عملاً حوزه حقوق عمومی و خصوصی را در قلمرو جبران خسارت به هم رسانده و نظامی واحد از مسئولیت را به نمایش گذاشته است.

نتیجه‌گیری

در زمان کنونی ارتقاء دانش پزشکی مستلزم پژوهش‌های زیست پزشکی به ویژه بر روی آزمودنی‌های انسانی است لیکن

از طرفی رعایت حقوق آزمودنی‌ها از مقدمات و ضروریات انجام هر مطالعه بالینی و غیر بالینی روی انسان است. از این رو سال‌های زیادی است که دانشمندان و پژوهشگران علوم پزشکی به بررسی نکات لازم و تدوین ضوابط و دستورالعمل‌های بین‌المللی اخلاقی در این زمینه به منظور حفظ و ارتقای سلامت و حقوق انسان‌ها تلاش می‌کنند. با توجه به اهمیت این‌گونه آزمایشات، به دلیل موضوعیت و محوریت انسان در آن‌ها بدیهی است که پیش‌بینی مسئولیت مدنی و روش‌های جبران خسارات آن مورد توجه قرار گیرد. در اینجاست که موضوعات مختلفی از جمله برائت‌نامه‌های پزشکی، اصول اخلاق پزشکی به میان آمده است. اما چیزی که حائز اهمیت است و می‌توان با اطمینان از آن در خصوص جبران خسارات حاصله به داوطلب یا بیمار فناوری زیستی در پزشکی یا مصرف‌کننده محصولات تراریخته سخن گفت، الزام قانونی است که از آن تحت عنوان مسئولیت مدنی صحبت می‌شود این عنوان خود می‌تواند هم به صورت قراردادی و هم به شیوه رایج‌تر آن یعنی غیر قراردادی و قهری، پدید آید. مسئولیت محض که حاصل واکنش حقوقدانان در مواجهه با پیشرفت‌های دانش بشری و پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی می‌باشد با حذف عنصر تقصیر از مسئولیت مدنی و تأکید بر رابطه سببیت در پی تسهیل جبران خسارات زیان‌دیده است و با پیشرفت‌های بیمه مسئولیت و تأمین اجتماعی گسترش یافته است. پذیرش مسئولیت محض به معنی نفی ضرورت اثبات تقصیر و یا رابطه قراردادی است و در آن به عملکرد اعتراض نمی‌شود که نیاز به اثبات تقصیر او باشد بلکه ضرر مورد نظر قرار می‌گیرد و تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی نیست. به عبارتی دیگر، مسئولیت محض نه مستلزم اثبات تقصیر در عمل است و نه در عامل. نه تنها لازم نیست عمل لزوماً به صورت تخطی از معیارهای رفتار انسان متعارف باشد، بلکه وجود عیب در انگیزه عامل نیز شرط نیست. مسئولیت محض مسئولیت به نتیجه است و نه فعل و نه عامل زیان نمی‌تواند با اثبات این امر که رفتار او قابل سرزنش نیست یا از رفتار انسان متعارف تخطی نکرده از مسئولیت معاف شود. از

نگاه این نوع مسئولیت، نتیجه مضر ناشی از فعل مرتکب برای ایجاد مسئولیت کافی است. در واقع این ضمان چهره حمایتی دارد تا هیچ حق قابل احترامی از بین نرود. البته رویکرد حقوق ایران به سمت مسئولیت محض سوق پیدا کرده است اما لازم است قانون گذار بیش از پیش به این نوع مسئولیت توجه نشان دهد.

مشارکت نویسندگان

سمیه رحمانی تمامی مراحل پژوهش را به انجام رسانده و ضمن تأیید نسخه نهایی، مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته است.

تضاد منافع

نویسنده هیچ گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده است.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تأمین مالی

نویسنده اظهار می نماید که هیچ گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه های اخلاقی مطالعه کتابخانه ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

1. Rahnema H. Biological ethics and transgenic products. *Journal of ethics of science and technology*. 2017; 3(2-1): 1-14. [Persian]
2. Koepsell D. The ethics of genetic engineering. *Journal of Center for Inquiry Office of Public Policy*. 2007; 28(74); 230-237.
3. Elsan M. Principles of bioethics. *Journal of Legal Research*. 2007; 10(45): 153-183. [Persian]
4. Thomas A, Chromic AI, Johnson R. The method of applying the four basic principles of bioethics. *Drug and Treatment Journal*. 2013; 5(24):35-95.
5. Tremain S. *The Biopolitics of Bioethics and Disability*. First Edition. Beja: publis hed Springer Science and Business Media B V; 2008. 5: 101.
6. Qaderi A, Malik F. Essay on general principles of informed consent in medicine. *Kumesh magazine*. 2012; 15(2): 133-140. [Persian]
7. Elsan M. Fundamentals of Prohibition of Imitation. *Journal of Legal Research*. 2007; 5(11): 200-314. [Persian]
8. Safai S; Abbasi M. Examining the four principles of biological ethics from the perspective of Islamic jurisprudence and law. *Journal of Bioethics*. 2010; 1(2): 11-40. [Persian]
9. Elsan M; Kanani Z. The intersection of ethics- law and reality in simulation (a collection of bioethical articles from a legal-philosophical and scientific point of view). First Edition. Tehran: Allameh Tabatabayi University Publications; 2018: 62-67. [Persian]
10. Katouzian N. *Civil rights (forced guarantee)*. third edition. Tehran: Tehran University Press; 1995: 146. [Persian]
11. Ghasemzadeh M. *Obligations and civil liability without contract*. second edition. Tehran: Mizan Publications; 2007: 46. [Persian]
12. Katouzian N. *Civil rights (property and ownership)*. Fourth edition. Tehran: Yalda Publishing; 1999. 2: 217. [Persian]
13. Shahidi M. *Effects of contracts and obligations*. fourth edition. Tehran: Majd Publications; 2006: 79. [Persian]
14. Emami SH. *Civil Rights*. First edition. Tehran: Islamiyah Publications; 1996. 1: 131. [Persian]
15. Amin Farra. *Civil liability*. Legal collection publication. 1996; 4(16):400-457. [Persian]
16. Kanani Z. *Bioethics*. first edition. Tehran: published by the International Congress of Bioethics; 2004: 49-50. [Persian]
17. Taghizadeh Ab, Hashemi SA. *Civil liability (compulsory guarantee)*. First edition. Tehran: Payam Noor University Press; 2013: 96. [Persian]
18. Qasimzadeh SM. The concept of illegality or abnormality of harmful action in civil liability. *Journal of Judicial Law Perspectives*. 1998; 5(13-14): 83-114. [Persian]
19. Sepahvand A. *Civil liability*. Bar association magazine. 1993; 3(128-129): 140-149.[Persian]
20. Ghorbani AA. Simulation From moral consequences to criminal policy. *Medical Law Quarterly*. 2010;5(13): 51-166. [Persian]
21. Najafi MH. *Jawahir al-kalam*. 7th edition. Beirut: Dar Ihya Al-Turath Al-Arabi; 2023. 40: 250. [Arabic]
22. Katouzian N. *Civil rights (compensation transactions and ownership contracts)*. Sixth edition. Tehran: Publishing Company; 2008: 451. [Persian]
23. Katouzian N. *Introductory course of civil rights-legal events of civil responsibility*. Third edition. Tehran: Ganj Danesh Publications; 2018: 79.[Persian]
24. Jacques Flour J L A. *Les obligations Le fait juridique*. 5th Edition. Franca: published Armand Colin; 2003: 76.
25. Katouzian N. *Civil rights (requirements outside the compulsory guarantee contract)*. 6th edition. Tehran: Publishing and Printing Institute of Tehran University; 2007. 9: 334. [Persian]
26. Katouzian N. *Liability for manufacturing defects*. Third edition. Tehran: Tehran University Press; 2006: 185. [Persian]
27. Badini H. *Philosophy of civil responsibility*. First Edition. Tehran: Publishing Company; 2003: 218. [Persian]
28. Bigdely S, Badi Sanyaat Isfahani A. *Civil Liability Arising from Genetically Modified (Transgenic) Food Products (a comparative study in Iranian law and international documents)*. *Comparative Law Studies Quarterly* 2013; 5(2): 303-304. [Persian]
29. Jafari Tabar H. *Civil liability of goods*. Second edition. Tehran: Justice Press ; 2008: 42. [Persian]
30. Katouzian N. *Restrictions on contractual freedom based on consumer protection*. *Law Quarterly (Magazine of Faculty of Law and Political Science)*. 2006; 38(3): 331-339. [Persian]
31. Katouzian N, Ansari M. *Responsibility for environmental damage*. *Law Quarterly (Journal of Faculty of Law and Political Science)*. 2017; 38(2): 290-294. [Persian]